

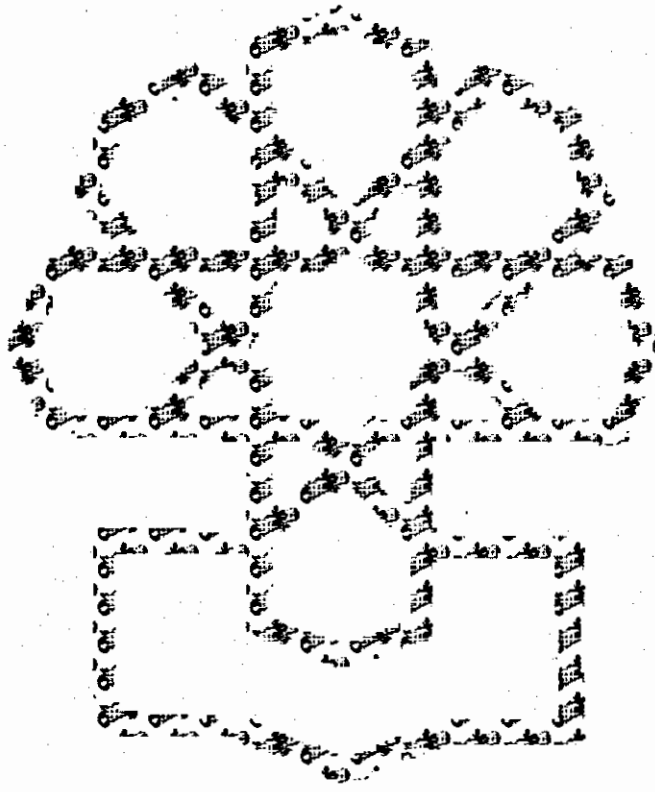
۱۹۱۸

۲

۲۸۴۶



# بحثی فشرده پیرامون مددکاری



معاونت پژوهشی  
آبان ۱۳۷۶

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

کد گزارش: ۴۱۰۲۸۴۶

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه واحد اسناد و کتابخانه ملی  
شماره: ۲۹۵۲  
تاریخ: ۷۶/۹/۲

۲۸۴۶

بسمه تعالی

## بحثی فشرده پیرامون مددکاری

کد گزارش: ۴۱۰۲۸۴۶

### مقدمه

«مددکاری» به معنای یاری رساندن (متقابل) در فرهنگ اسلام از ابعاد گسترده و عمیقی برخوردار است و در واقع سلامت و کمال انسجام جامعه را باید در گرو تحقق صحیح آن دانست. انتخاب این واژه متضمن معنای بسیار ارزشمندی می‌باشد. نفس یاری کردن اگر چه در ظاهر یک جانبه بوده و امکان تقابل در آن وجود نداشته باشد، به لحاظ هویت امر، جنبه تقابل خواهد داشت. زیرا که «ان احسنتم، احسنتم لانفسکم». با این تعبیر زیبا، هر گونه نیکی و احسان و کمک، به خود شخص نیکوکار و مددکار باز می‌گردد. مددکاری در کشور ما به طور سنتی دارای سابقه طولانی می‌باشد. از گذشته‌های دور تاکنون مردم این مرز و بوم تحت تأثیر تعالیم دین مبین اسلام به یاری و کمک یکدیگر اقدام می‌نموده‌اند. توجه اسلام و قرآن به مسئله انفاق و رسیدگی به مستمندان جامعه و در ماندگان و... همه گویای اهمیت امداد و کمک‌رسانی و بعد ارزشی این مسئله در اسلام دارد. شاید از این دیدگاه و با این طرز تفکر پیامبران و ائمه معصومین صلوات‌الله علیهم خود از بزرگ‌ترین مددکاران اجتماعی و حتی پیشروان این امر خیر در جوامع بشری بوده‌اند. گزارش حاضر ضمن بررسی سابقه این علم و حرفه در دنیا و در کشورمان به مشکلات و مسائل این حرفه در کشور نظر خواهد داشت.

### فصل اول - تاریخچه مددکاری در ایران و جهان

#### ۱- تاریخچه مددکاری در جهان

بررسی منابع مذهبی و اسناد تاریخی نشان می‌دهد که مددکاری اجتماعی نه به عنوان یک حرفه و شغل بلکه به عنوان یک وظیفه مذهبی و اجتماعی از دیرباز در جوامع مختلف وجود داشته است، اما مددکاری حرفه‌ای جدید که با استفاده از روش‌ها و متون علمی و براساس همان اصول اخلاقی و معیارهای مذهبی به وجود آمده است عمری کمتر از ۵۰ سال دارد. محدوده عملکرد مددکاری در دو نوع سنتی و جدید آن مشترک است. وجود هر دو نوع سنتی و جدید آن همواره خود را در قالب رفاه اجتماعی اعمال نموده است و تغییرات این حرفه را می‌توان نتیجه تغییراتی دانست که در نظام رفاه اجتماعی جوامع مختلف بروز کرده است. شاید به همین دلیل است که هرگاه موضوع مددکاری اجتماعی مطرح می‌شود، قبل از هر چیز نیاز به بحث در زمینه رفاه اجتماعی خودنمایی می‌کند.

در ابتدا رفاه اجتماعی مانند مددکاری اجتماعی در جوامع سنتی طبق دستورات مذهبی وجود داشته است و از طریق برخی از نهادهای اجتماعی مانند خانواده تأمین می‌شده است. در مذاهب مختلف و به خصوص در دین اسلام دستورات خاصی برای کمک به نیازمندان و حمایت از بی‌سرپرستان وجود دارد.

تحولات اجتماعی و گسترش شهرنشینی و به خصوص اثراتی که رشد صنعت در کشورهای صنعتی بر نظام اجتماعی گذاشته، رفاه اجتماعی را از دو جهت دستخوش تغییر کرد، از یک جهت، بسیاری از نهادهای اجتماعی که به عنوان پایگاه ارائه خدمات می‌کردند، دچار ضعف و سستی شدند و در نتیجه بسیاری از امکانات خود را از دست دادند. از جهت دیگر مشکلات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی در این جوامع رشد روز افزونی یافت، به طوری که در اروپای قرن شانزدهم و هفدهم درحالی که رشد مشکلات همچنان ادامه داشت نهادهایی مانند کلیسا یا انجمن‌های محلی در کوتاه زمان بی‌نتیجه شد.

در اروپای قرن هفدهم، قوانین محلی و کشوری خاصی به وجود آمد که در بین آنها باید به قوانین فقرای الیزابت در انگلستان ۱۶۰۱ و برنامه محلی «توماس چالمرز» در اسکاتلند اشاره کرد.

پیشنهادهای چالمرز عبارت بود از این که برای رسیدگی به وضع فقرای هر محله:

الف- در مورد هر فرد باید دقیقاً مطالعه شود امکانات شخصی فرد برای کمک به خودش باید مورد مطالعه قرار گیرد.

ب- اگر حمایت از خود ممکن نیست، باید فامیل، دوستان و همسایه‌ها برای حمایت از او تشویق شوند.

ج- اگر کمک فامیل میسر نشد باید یک همشهری ثروتمند از او حمایت کند.

د- اگر همه موارد میسر نشد برای کمک به این فرد باید از حضار در کلیسا تقاضای کمک شود.

اما رشد صنایع و بی‌توجهی به حقوق انسان‌ها چنان سریع بود که اجرای همین برنامه برای فقرا و نیازمندان نتیجه معکوس داد. زیرا بیماری، عدم بهداشت، فقر غذایی و غیره در مؤسسات نگه‌داری و حمایت از نیازمندان چنان بالا بود که براساس مطالعات «جان هان دی» در سال ۱۷۲۲ این مؤسسات به مراکزی برای نابودی نیازمندان تبدیل شده بود.

اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم همراه است با رشد نهضت‌های مربوط به اصلاحات اجتماعی توسعه سازمان‌های خیریه در اروپا و امریکا. تا آن زمان مددکاری فردی براساس پیشنهادهای چهارگانه چالمرز انجام می‌شد، اما با توسعه بیمه‌های اجتماعی تجدید و به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم و با استفاده از علوم روانشناسی، جامعه‌شناسی و براساس اصول حرفه‌ای، روش مدون برای آن به وجود آمده است. پیشروان مددکاری یعنی سازمان‌های خیریه و مؤسسات حمایت از بینوایان فقط می‌توانستند مرهمی موقت بر زخم بینوایان و تهیدستان که از پایین‌ترین و محروم‌ترین طبقه اجتماع بودند نهند.

ولی امروز خط مشی اجتماعی و اقدام اجتماعی تنها جزئی از نقش حرفه‌ای نمی‌باشد، بلکه غالباً بستگی نزدیکی با رمز اجتماعی که مجموعه‌ای از فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در بردارند پیدا می‌کنند. اقدامات حرفه‌ای مددکاری می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در یک خط مشی یا اقدام اجتماعی مؤثر افتد.

## ۲- سابقه مددکاری در ایران

سابقه تأسیس و ایجاد مددکاری به عنوان یک علم در کشور به قبل از انقلاب اسلامی و به حدود سال‌های ۱۳۴۰ برمی‌گردد. در این سال تحت نظر خانم «ستاره فرمانفرمایان» که یکی از زنان وابسته به دربار شاهنشاهی بود این رشته تأسیس گردید. در ابتدا رشته مددکاری در محیطی خاص با نام «مدرسه خدمات اجتماعی» تأسیس شد و بعدها این مرکز تبدیل به دانشکده خدمات علوم اجتماعی شد. ابتدا در مقطع

کاردانی و سپس در مقاطع کارشناسی و در نهایت کارشناسی ارشد ناپیوسته گسترش یافت و در نهایت تحت نظر خانم فرمانفرمایان تعدادی از فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی ارشد به خارج از کشور رفته و مشغول به تحصیل در مقطع دکتری این رشته گردیدند.

اساس فکر تأسیس برای گماردن و استفاده نمودن این افراد در «سازمان خدمات شاهنشاهی و اعانه ملی» بود که این سازمان مبتکر طرح بلیط‌های بخت آزمایی معروف بود.

مسئولیت اجرای این افراد در زمان شاه با شخصی به نام «سرکشیک» بود که در ابتدای انقلاب به خارج از کشور گریخت و در نهایت تمام این مجموعه زیر نظر اشرف پهلوی قرار داشت. فارغ‌التحصیلان این رشته به عنوان مددکار اجتماعی در اکثر ادارات دارای دفتر بودند و فعالیت می‌نمودند. به لحاظ وابستگی سازمانی به مجموعه «فرمانفرمایان» و «اشرف پهلوی» مددکاران از اشتها مثبتی برخوردار نبودند.

البته مددکاران کارهای مثبتی نیز داشتند نظیر کمک به بی‌سرپرستان، زندانیان و ... و از محل کمک‌های مردمی که به وفور دریافت می‌نمودند به این‌گونه خدمات می‌پرداختند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این رشته تعطیل شد و مدرسه خدمات اجتماعی منحل گردید. سپس افراد مثبت و انقلابی مجموعه مددکاران سعی در احیای این رشته نمودند و با مراجعه به ستاد انقلاب فرهنگی تقاضای تأسیس و راه‌اندازی مجدد این رشته را داشتند که آن زمان مورد موافقت قرار نگرفت و بعداً و در سال‌های ۱۳۶۵ به بعد با ایجاد رشته مددکاری به عنوان یک گرایش از علوم اجتماعی موافقت کردند و البته تاکنون هم این امر صورت گسترده‌ای پیدا نکرده است.

از متولیان مشهور این گروه در بعد از انقلاب می‌توان به افرادی مثل «جواد منصوری» وزارت امور خارجه، آقای ساداتیان نماینده سابق همدان، موسی‌الرضا معاون سازمان بیمه، اجاره‌دار از مسئولان امور بین‌الملل وزارت نفت را نام برد.

## فصل دوم - شرایط فعلی مددکاری در کشور

شرایط فعلی مددکاران اجتماعی در کشور از چند جنبه قابل بررسی می‌باشد.

### ۱- تثبیت وضعیت شغلی و شأن مددکاری

در مقطع فعلی مددکاران از موقعیت و شأن اجتماعی والایی برخوردار نیستند.

دلایل این امر را شاید بشود به شرح زیر بیان کرد:

الف- مددکاری در کشور ما چنانکه ذکر شد سابقه طولانی دارد و مردم نوعاً به‌طور خودجوش در مساجد و محله‌ها و شهرها این کار را انجام می‌دهند و نیازی هم به تخصص خاص وجود نداشته است. روحانیون و جوانمردان شهرها با الهام از رندگانی علی‌علیه‌السلام که خود بزرگ‌ترین مددکار بود این کار را به هر حال انجام می‌دهند و هنوز هم انجام می‌دهند. و لذا شاید به عنوان یک علم و تخصص جایگاه ویژه‌ای در جامعه ما پیدا ننموده است.

ب- طرح نوین اداره بیمارستان‌ها؛ یکی از مراکزی که مددکاران اجتماعی به‌طور وسیع از بعد از انقلاب اسلامی در آنجا مشغول به فعالیت بوده‌اند، بیمارستان‌ها هستند. در تمامی بیمارستان‌های کشور دفتری

به نام دفتر مددکاری اجتماعی، وجود دارد که به مشکلات مالی مردم بی بضاعت در مراجعه به بیمارستان‌ها و گرفتن ویزیت مجانی یا رایگان نمودن هزینه درمان افراد بی بضاعت می پرداخته‌اند و تا حدود زیادی نیز این کار را به طور صحیح انجام می داده‌اند. با اجرای نظام جدید اداره بیمارستان‌ها و خودگردان نمودن بیمارستان‌ها، درگیری جدی بین مسئولان بیمارستان‌ها و مددکاران اجتماعی ایجاد شده است. یعنی مسئولان بیمارستان‌ها دیگر به هیچ وجه حاضر به تخفیف به هیچ بیماری نمی‌باشند. و لذا هیچ‌گونه توجهی به مددکاران وجود ندارد و مردم که معمولاً برای این موضوع مراجعه می‌کنند و با جواب منفی مددکاران مواجه می‌شوند جایگاه مددکار به عنوان یک عنصر ضعیف و غیر کارا در ذهن‌شان تداعی می‌شود.

ج- سابقه غیر مثبت مربوط به قبل از انقلاب اسلامی: چنانکه در بحث قبلی توضیح داده شد اشتهار قبل از انقلاب این افراد مثبت نبوده است و بعضاً هنوز آثار این سوء اشتهار در اذهان مسئولان و مردم وجود دارد.

د- نوع خدماتی که مددکاران اجتماعی بیشتر انجام داده‌اند خدمات مادی و رفاهی بوده است که فعلاً به لحاظ سیاست‌های اقتصادی دولت و تأکید بر حذف سوبسیدها، قادر به انجام آن نیستند و خدمات معنوی که شاید قسمت اعظم کار و اساس کار مددکاری اجتماعی است، ترویج و تبلیغ نگردیده است. سرکشی به خانواده‌های بی سرپرست، خانواده‌های معتادان، کمک به معتادان برای ترک اعتیاد، بررسی علمی علل جرم و جنایت و کمک به مجرمان برای از بین بردن عادات روحی و روانی خویش و... از جمله فعالیت‌های معنوی است که مددکاران می‌توانند ارائه نمایند که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

## ۲- گسترش رشته مددکاری اجتماعی

این رشته چنانکه پیش‌تر ذکر شد از بعد از انقلاب اسلامی کاملاً تعطیل گردید و از سال ۱۳۶۵ به صورت محدود در مقطع لیسانس در دانشگاه علامه طباطبایی شروع به فعالیت نمود و بعداً در دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی هم تحت عنوان مستقل مددکاری در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مشغول به فعالیت است. بسیار سعی شده است که بتوانند کارشناسی ارشد این رشته را دهند توسعه که فعلاً موفق به اخذ این مهم نگردیده‌اند و البته قرار است که برای سال‌های بعد بتوانند کارشناسی ارشد این رشته را به تصویب برسانند و از طریق کنکور سراسری به گزینش دانشجو برای این رشته بپردازند و در نهایت درخواست برای مقطع دکتری این رشته وجود دارد که هنوز هیچ‌گونه موافقت اصولی با این امر به عمل نیامده است. صرف‌نظر از این که این امر واقع شود یا خیر، تذکر چند نکته مهم در ارتباط دانشجویان و فارغ‌التحصیلان این رشته ضروری به نظر می‌رسد:

الف- دانشجویانی که مددکاری اجتماعی را به عنوان رشته تحصیلی خود انتخاب می‌کنند باید نسبت به اهمیت و حساسیت رشته خود واقف باشند. در حقیقت یک دانشجوی خدمات اجتماعی که به عنوان مددکار اجتماعی فارغ‌التحصیل می‌شود باید دانش مددکاری را در کنار عشق و ایمان و اعتقادی که به رشته خویش و جنبه انسانی و مردمی و مذهبی آن دارد تحصیل کند. اگر روحیه خدمت به مردم، فرع برگرفتن مدرک و گذراندن مدارج علمی مربوط قرار گیرد، جامعه از تربیت مددکاران اجتماعی سودی

نخواهد برد.

ب- امید به گسترش و تقویت این رشته فقط در صورتی که به این رشته به عنوان یک رشته دارای زمینه اسلامی و ابعاد مردمی نگریسته شود ممکن خواهد بود. اگر زمانی مددکاری اجتماعی هدف تهی کردن مردم از فرهنگ اسلامی خود را تعقیب نمی کرد امروز دانشجویان و فارغ التحصیلان این رشته می توانستند در میدان وسیع، امکانی که در جمهوری اسلامی برای خدمت به مردم و محرومان در برابر آنهاست حداکثر استفاده را بکنند.

سرکشی به خانواده محترم شهدا، بررسی وضعیت نهاد مقدس خانواده، رخنه در عمق عواطف معتادان، بررسی علمی علل بزه های اجتماعی و اعتیاد از موضوعاتی هستند که دانشجویان این رشته می توانند با جسارت تمام به آنها پرداخته و از این طریق هم بر میزان اطلاع و دانش خود بیافزایند و هم جامعه و هموعان خود را بهره مند سازند و هم به عنوان باقیات صالحات و اندوختن خسات و اجر معنوی کارنامه زندگی خویش ثبت و ضبط نمایند.

### ۳- انجمن مددکاران اجتماعی<sup>۱</sup>

انجمن مددکاران اجتماعی در سال تاسیس شد. رئیس فعلی این انجمن فردی به نام بابایی می باشد که ظاهراً در سازمان بیمه مشغول به فعالیت می باشد. این انجمن صنفی است و از وزارت کشور مجوز فعالیت اخذ نموده است. از اعضای دیگر این انجمن می توان از آقای موسی الرضا که قبلاً در وزارت کشور و وزارت کار و فعلاً در بیمه مشغول به فعالیت هستند نام برد. همچنین ظاهراً آقای جواد منصوری هم جزو اعضای این انجمن می باشد. نکته جالب توجه این که این انجمن در داخل خود دچار دو دستگی و اختلاف می باشند. قبلاً فردی به نام دکتر اقلیما که فعلاً متولی این رشته در دانشکده بهزیستی و علوم توانبخشی می باشد. از این مجموعه جدا شده است و اخیراً هم اختلافاتی با دفتر مددکاری وزارتخانه که مسئول آن خانم صانعی می باشد پیدا کرده اند و لذا، فعلاً ظاهراً در ۳ روز و ۳ مراسم و جشن جداگانه برای بزرگداشت مددکاری برپا خواهد شد.

بر طبق اطلاع حاصله مجموعه فوق بیشتر یک مجموعه سیاسی هستند تا یک مجموعه کاری و صنفی. از اهدافی که سالهاست این مجموعه سعی در به دست آوردن آن دارد، دو موضوع از همه مهم تر می باشد که عبارت اند از:

الف- نام گذاری روزی به نام روز مددکاری که قبلاً شورای فرهنگ عمومی با آن مخالفت کرده و آن را رو کرده است.

ب- گسترش دوره کارشناسی ارشد و ایجاد دوره دکتری این رشته در داخل کشور که در آن هم تاکنون موفقیت چندانی نداشته است.

و لذا، ظاهراً انجمن فوق نماینده تمامی مددکاران نیستند و قاعدتاً قادر به بسیج نمودن مددکاران شهر تهران هم نخواهند بود. شاید بتوان نتیجه گرفت که هدف از ترتیب دادن این گونه برنامه ها و ملاقات های بیشتر کسب وجه سیاسی و صنفی برای خودشان باشد تا بزرگداشت و ارج نهادن به مقام مددکاران اجتماعی.

۱. صرفاً جهت استحضار.

#### ۴- روز مددکاری<sup>۱</sup>

سابقه موضوع به چند سال گذشته بر می گردد. از سوی انجمن مددکاران اجتماعی روز ۱۳ رجب به عنوان روز مددکاران اجتماعی پیشنهاد گردید که به دلایل درست و کارشناسی مورد قبول این شورا قرار نگرفت. از مهم ترین دلایل رد آن در شورای فرهنگ عمومی می توان به مواردی نظیر: تعداد کم مددکاران اجتماعی، عدم شناخت مردم و اشتباه مددکاران و غیر تخصصی بودن حرفه مددکاری در نگاه اولیه اشاره نمود. به هر حال شاید اگر بخواهیم روزی را به نام مددکار اجتماعی داشته باشیم، در آینده مجبور گردیم روزهایی تحت عنوان روز روانشناسان، روز پزشکان، روز دندانپزشکان و... هم داشته باشیم زیرا ظاهراً تعداد اعضای این حرفه ها و شناخت و مراجعه مردم به آنها و ارائه سرویس و خدمات شان به مردم از مددکاران بیشتر است و لذا، نظر شورای فرهنگ عمومی در رد درخواست نام نهادن روزی خاص به نام روز مددکاران اقدامی درست و کارشناسی به نظر می رسد.

#### رهیافت ها

از بررسی و جمع بندی مطالب گذشته می توان پیشنهادها و رهیافت های زیر را ارائه نمود:

۱- مددکاران اجتماعی از شأن و رتبه والای اجتماعی برخوردار نمی باشند. دلایل این امر بسیار زیاد است که به تعدادی از آنها اشاره شد. برای حل این موضوع پیشنهاد می شود که این گروه کمک به مردم را به طور واقعی در سطح عمومی و تخصصی در سرلوحه کار خود قرار دهد. در انقلاب ما و زمان جنگ صحنه های بسیاری پیش آمده که مردم به طور خودجوش همه نقش مددکار را داشته و انجام وظیفه نموده اند.

استفاده از این پتانسیل عظیم و سازماندهی آنها در مواقع حساس و بحرانی می تواند میدانی وسیعی برای انجام وظیفه این گروه باشد.

۲- انجام موارد زیر تحقق شأن و جایگاه والای مددکاری در جامعه ضروری به نظر می رسد.

- جلوگیری از استخدام افراد غیر متخصص در ادارات و دوایر عنوان مددکار اجتماعی و فراهم شدن زمینه جذب بیشتر فارغ التحصیلان مددکاری در سازمان ها.

- استفاده از مددکاران باتجربه در سطوح مدیریت میانی و مدیریت بالایی سازمان های رفاهی اجتماعی نظیر تأمین اجتماعی - سازمان بهزیستی - کمیته امداد - بنیاد شهید و ...

- تکیه و تأکید بر نقش مشاوره ای مددکاران و ارائه خدمات مشاوره ای در سازمان ها (که فعلاً انجام می پذیرد) توسط مددکاران که مشاورین حرفه ای و باتجربه می باشند.

۳- پیشنهاد گسترش دوره های آموزشی عالی نظیر کارشناسی ارشد و دکتری هر چند فی نفسه مسئله مثبتی است ولی با توجه به این که در سطح دکتری نیاز جدی به این رشته در جامعه وجود ندارد و این که اساتیدی که بتوانند این رشته را تدریس نمایند وجود ندارند، (در کشور ما ظاهراً فقط یک یا دو نفر دکتری این رشته وجود دارد). بنابراین افتتاح چنین رشته ای، نیاز به زمان بیشتری دارد.

۱. صرفاً جهت استحضار.